

۱۳۶۷۷۳

مجموعه رنگی کارت‌های

الفبای موسیقی

تألیف

ناتالینا ایوانووا

فرهنگ‌شنرو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده

تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

امید امیرزاده ایرانی

پویش، تصاویر، کنترل کیفی

۱۳۹۴

اول

۲۲۰۰

مارت

و غ دانش

چاپ

نوا

صحافه

همه حق در محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

ایوانووا

مجموعه رنگی، کارت‌های الفبای موسیقی [فلش کارت]: ۱۰۱ کارت با شماره

و تقسیم‌بندی رنگی: نت‌ها، نشانه‌ها و اصطلاحات موسیقی، تاریخچه و

نکته‌های فنی برای منجمدین همه ساله / ناتالینا ایوانووا.

تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۴۰۱.

۱۰۱ کارت دو روی رنگی

۹۷۸-۶۰۰-۶-۵۸-۷۴۳۹

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

توصیف‌گر

شناسه افزوده

شماره کتاب‌شناسی ملی

موسیقی، نت موسیقی، آموزش موسیقی، شناسه، سایل کمک آموزشی.

ایوانووا، ناتالینا، ...

۴۰۰۸۹۲۵

آسیم

مرکز پخش

۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

تلفن و دورنگار

۳۰۰,۰۰۰ ریال

بها

زبان موسیقی

به لطف آشنایی دقیق و علمی با نشانه‌ها و اصطلاح‌های موسیقی، زندگی به‌زبان آراسته می‌شود که سهم و سعی در برقراری تعادل و توزان دارد؛ دوره‌های عمر با آهنگ به معنای اصیل این واژه در زبان فارسی - «عزم، عزیمت، هدف» - می‌نمایند. درمی‌نمایند نه فقط به‌روی نواختن ساز، بلکه به‌روی همنوایی با طبیعت و انسان و ذرات گشوده می‌شود.

موسیقی در زمان نقش می‌بندد و زمان گمنام و یکنواخت را نام و هویت می‌بخشد. ذهن موسیقی می‌تواند تکه‌فضاهایی متناسب و موزون از زمان ببرد که تکه‌هایی از دایرهٔ یک آفرینش‌اند. زمان موسیقی مثل زمین گرد است؛ نت‌ها و میوه‌ها نیز گردند؛ همان‌طور که در ادبیات فارسی جهان دایره است، گنبد چرخنده است و به گفتهٔ سرخس، انسان چون پرگار «بر نقطه‌ای دایره‌وار روان» است.

پیدایی و شکل‌گیری الفبای موسیقی با پیدایی رسی مفاهیم کلیدی فرهنگ اروپایی هماهنگ است و پاره‌ای از ارزش‌های ناب تمدن غرب را می‌توان در صورت و معنای علایم موسیقی یافت. مبانی موسیقی، غرب‌بخستین بار به زبان یونانی باستان بیان گردید و از اصول ریاضی، هندسه، نجوم، فلسفه و ایزدشناسی که تناسب عالم صغیر و عالم کبیر را در نظر دارد بهره گرفت. نویسندگان یونان باستان باور داشتند که دانش موسیقی اخلاق شخصی

(ethos) را می‌سازد. در تربیت روحی کودک موسیقی را همان اندازه مؤثر می‌دانستند که ورزش در تربیت بدنی. موسیقی به‌نظر فیثاغورس پیوندی سری با اعداد، حرکت افلاک و کیهان‌شناسی داشت و ابعاد مابعدالطبیعی را شامل می‌شد. ابو نصر فارابی چنین دیدگاهی را به‌فرهنگ ایرانی انتقال داد. گفته او موسیقی «صناعتی است مشتمل بر الحان و آنچه الحان را سازوار می‌سازد کمال و نیکویی بخشد.» (منظور از سازوار «موافق مزاج» است.)

بیشتر اصطلاحاتی فنی که امروز در مباحث موسیقی به‌کار می‌روند به زبان ایتالیایی است و به‌نقص و نژای زبان ایتالیایی و صلابت و وقار فرهنگ لاتین به دیگر زبان‌ها رسیده‌اند. اما از سده ۱۹ به‌بعد فرهنگ‌های ملی دیگر به نوبه خود اصطلاحاتی به زبان‌های ملی موسیقی بخشیده‌اند.

شکل‌های گرافیکی که طر سده‌ها دچار تحولات و تغییراتی گردیده بیانگر زیبایی‌شناسی بصری ویژه‌اند. پارچه‌ها و دست‌نوشته‌های آهنگسازان پیش از آنکه به اجرا درآیند و صداها به سلول‌های عصبی شنونده نفوذ کنند، در زمره طراحی‌ها و نقاشی‌های طُرفه و چشم‌اندازهای منزلگاه‌های طبیعی روح و روان قرار می‌گیرند.

نشانه‌های گوناگون موسیقی که اغلب باید همزمان خوانده و اجرا شوند، حواس پنج‌گانه را همزمان فرامی‌خوانند و نوعی انسجام را به‌دوامی طلبند. این امر با اصطلاح *sight reading* - مهارت خواندن قطعات با نظر گرفتن ریتم، ملودی، حالت‌های دینامیکی و حتی تصور حرکات در نوازندگی - بیان شده است. هرچند در معانی نشانه‌های موسیقی اختلاف نظر است و از

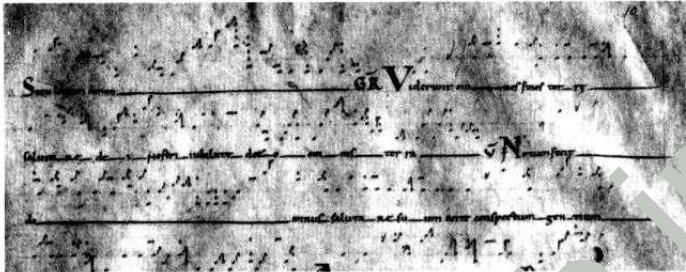
قواعدی سرچشمه می گیرند که به منظور اجرای هرچه دقیق تر ابداع گردیده و تکامل یافته اند، پسند ادوار تاریخی و سلیقه نوازندگان در تفسیر و تعبیر آنها محفوظ مانده. برای مثال اجرای *andante* که از واژه ایتالیایی به معنای «راه رفتن» آمده، با تصور دوره های متفاوت از «راه رفتن» آمیخته است. سرعت راه رفتن و ریتم اندیشیدن در عصر رمانتیک یا روشنگری با سرعت تزلزل داده ها و کلمه ها در سده بیست و یکم تفاوت هایی دارد.

نوازندگی در هر قرن و سال به تحولی بزرگ می انجامد. کتاب و ساز دو نشانه انسانِ عنوی در فرهنگ چین باستان به شمار می رفتند. اگر به گفته دانیئل بارنبویم (Daniel Barenboim) که «موسیقی به زمان سرعت می بخشد» دقت شود، باور می داریم که «عصر موسیقی» از زمان دیگری پیروی می کند و چه بسا قبض و بسط زمان در عمل ایرانی را می شناسد یا بر حس «خستگی و گذشت زمان» (فارابی) فائق می آید. در موسیقی زمان ماضی وجود ندارد، همان طور که در پارتیتور عمر سانه تکرار وجود ندارد. پس، گذریک بار عمر در این دنیا را به منزله اثر موسیقی درست و راست ... بنوازیم.

نُت از واژه *nota* در زبان لاتین به معنای «نشان، نشانه، نشان» می آید و به نشانه ای گفته می شود که برای نگارش صوت موسیقی به کار می رود. با قرار دادن نشانه کوچک بیضی رو، میان، بالا یا پایین پنجه خط حامل، صدایی با نام زیروبم مشخص متولد می گردد. ارزش زمانی صدا در صد رنت (با سر توپُر یا تو خالی، دسته دار، دسته دار با نقطه، دسته دار با چنگک...) هفتاد و یک است. آهنگ ها مثل قصه ها پیش از آنکه ثبت شوند، سینه به سینه نقل می شدند.

نظام نت نویسی معاصر که به دقت تعیین می کند صداها و سکوت های موسیقی چگونه به اجرا درآیند، به تأسیس Schola Cantorum (مکتب آواز خوانی) در روم سده ۷ و کتاب های آواز (Graduals) سده ۹ و ۱۰ میلادی باز می گردد. نخستین نشانه هایی را که برای ضبط سرودهای مذهبی معروف به «سرودهای گریگوریایی» ابداع شده بود «نئوم» (neume) از واژه *pneuma* در یونانی باستان به معنای «دم، نفس» نام نهاده اند. نئوم ها نقطه ها و خط های کوچک کج و معرجی بودند که شاید از نشانه های صرف یا علایم تکیه (x, v) که در زبان لاتین برای شمارش استفاده می شد گرفته شده باشند. این نشانه ها در ارتفاع های متفاوت بالای کلمه ها در سرودهای گریگوریایی (مونوفون) نوشته می شد، چنان که با تک هجا یا دو هجا هماهنگ باشند. نئوم ها صرفاً نشانگر فراز و فرود خط ملودیک بودند، بی آنکه زیر بم، فواصل و تقسیم زمانی صداها را نشان دهند.

در اواخر سده ۱۰ کاتبان آثار موسیقی در سرودبندی نئوم ها پیرامون خط قرمز افقی نمایانگر f (فا پایین تر از دو می) و خط زرد یا سبز نمایانگر C4 / c' (دو میانی) روی آوردند. در سده ۱۱ گوئی دو آرتزو (Guido d' Arezzo) موسیقیدان ایتالیایی قانون به کارگیری خطوط و فواصل این خطوط را شرح داد و استفاده از چهار خط حامل را به میدان آورد. سرچند نظام گوئی دو آرتسو مشخص کننده ارتفاع (pitch) دقیق صداها نبود و فقط نسبت های زیر و بمی را نشان می داد، به تحولی تاریخی در نت نگاری انجامید. برخی از حروف لاتینی که در ابتدای خط نگاشته می شد بعدها به کلیدهای موسیقی بدل شدند. در سده ۱۴ پنجمین خط حامل نیز اضافه گردید.



نت‌نگاری با نشانه‌های نتوم،

در گرفته از کتاب آواز نسخه‌برداری شده در نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۱، جنوب فرانسه؛ خط افقی نت لا را نمایان می‌سازد

در اواخر سدهٔ ۱۲ لئو (Léonin) و پروتن (Perotin) دو آهنگساز کلیسای جامع «نوتر دام» (آغاز ساخت ۱۱۱۳، سال تقدیس ۱۱۸۲) به ثبت الگوهای ریتمیک و نسبت‌های زمانی صداها نائل آمدند. این امر که با پیدایی بافت پلیفونی پیوند دارد، از راه گروه‌بندی و متصل کردن نت‌ها توسط نشانه‌ای به نام لیگاتورا (ligatura) (خط کوچک منحنی) انجام می‌گرفت. مثلاً الگوی ریتمیک ♪ ♫ ♪ ♪ به شکل N M نوشته می‌شد. الگوها با وزن شعر به زبان لاتین و فرانسه هماهنگی داشت.

حدود ۱۲۶۰ فرانکو اهل کلن (Franco von Köln) به عنوان پدیدآورندهٔ ظاهرنت و کشش زمانی آن را تعریف و تثبیت کرد و این امر سرآغاز نت‌نگاری مدرن به شمار می‌رود. نظام او «نت‌نگاری موزون» (mensural notation) نت‌نگاری قابل اندازه‌گیری، یعنی دارای مقادیر نت با ارزش زمانی ثابت) نامیده می‌شد.

نشانه‌های عبارت بودند از: ■ ماکسیما (maxima؛ بلندترین)، ■ لونگا (longa؛ بلند)، ■ برویس (brevis؛ کوتاه) و ◆ سمی برویس (semibrevis؛ نیم‌کوتاه). این مقادیرِ نت بر اساس واحد زمانی برویس که tempus خوانده می‌شد محاسبه گردیده بود. از آنجا که فرانکو اهل کلن تناسبی دقیقی میان نت‌ها قائل بود، سیستم او را می‌توان «نت‌نگاری تناسبی» نیز نامید.

با از کار افتادن ماکسیما و لونگا، بلندترین ارزش زمانی از آن برویس (دو برابر نت گردان روزی) شد که در آغاز کوتاه‌ترین ارزش زمانی بود. نت برویس در نت‌نگاری سازی در سده ۱۸ به بعد به ندرت به کار رفته و فقط در موسیقی آوازی و کلیسایی به سه شکار (H K H) دیده می‌شود و «گرد مضاعف» نام دارد. سمی برویس در نحوه گرافیکی‌اش (◆ ◆ ◆) معادل نت گرد است و در تعریف ارزش‌های زمانی دیگر مبدأ دانسته شده است.

در سده ۱۴ – سده‌ای با نفوذ پررنگ مکتب فرانسوی Ars nova (هنر نو) – مقادیرِ نتی کوتاه‌تری پذیرفته شدند. مینیما (minima؛ کوچک / به شکل سمی برویس دسته‌دار) و ♪ سمی مینیما (semiminima؛ نیم‌کوچک) که معادل نت سفید و سیاه امروزی‌اند. رابطه «مینیما - سمی برویس» بر اساس نسبت زمانی «لونگا - برویس» و «برویس - سمی برویس» تعیین گردیده.

فیلیپ دو ویتری (Philippe de Vitry) و نمایندگان دیگر «هنر نو» در پی مکتب «نوتر دام» به کشف ریتم و پُلیفونی تازه پرداختند و جریان آزادانه در موسیقی به راه انداختند. زبان فرانسه در سده ۱۳ رقیب زبان لاتین در ساخت موسیقی آوازی گردید و در معرفی نت‌ها با کشش زمانی کم‌تر از برویس و سمی برویس و در تحول بعدی نظام نت‌نگاری نقش تاریخی دارد.

حدود سال ۱۴۲۵ نت‌نگاری روی پوست رفته‌رفته جای خود را به نت‌نگاری بر کاغذ داد و در پی آن نت‌های توپُر (سیاه) بابت‌های تو خالی (سفید) جاگزین شد (♩ ♪ ♫ ♬) و سمی مینیمال به شکل ♪ درآمد. مقادیر نت کوچک‌تر از آن با اضافه کردن چنگ‌هایی آراسته می‌شد. در سده ۱۵ نت ♪ فوزا (fusa) سمی فوزا (semifusa) به کار آمد که نسبت زمانی چنگ و دولاچنگ را بیان می‌کرد. اوتاوینو پتروچی (Ottaviano Petrucci) در اواخر سده ۱۵ نخستین دست‌نویس چاپ برای نت را در ونیز ایتالیا دایر کرد و چاپ آثار موسیقی را بنیاد نهاد. در پایان سده ۱۶ شکل لوزی نت‌ها به شکل گرد درآمد.

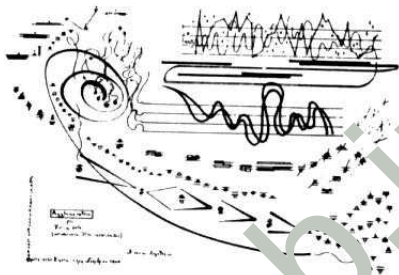
نظام «نت‌نگاری موزون» از خط میزان بهره‌ای نداشت (خط میزان در سال ۱۴۴۸ به کار رفت) و وابسته به الگهای ریتمیک ویژه‌ای بود که در قالب اوزان شعری و عروض کلاسیک به کار می‌آمدند. ضرب‌ها به گروه‌های سه‌تایی تقسیم می‌شد: یک لونگا برابر سه برویس، یک برویس برابر سه سمی برویس و غیره. (به‌رغم راه و رسم امروزی که مقادیر نت حاصل تقسیم دوتایی و بر رابطه دوتایی مبتنی‌اند: نت گرد با ۲ نت سفید، نت سفید با ۲ نت سیاه، نت سیاه با ۲ نت چنگ و غیره برابر است). تقسیم سه‌تایی به نشانه نمادی از تثلیث مقدس در عقاید مسیحی میزان‌بندی کامل (mensura perfecta) را تشکیل می‌داد و نشانه آن دایره (O) بود. در سده ۱۴ آهن‌سازان فانتازی تقسیم دوتایی را در کنار تقسیم سه‌تایی احیا کردند. تقسیم دوتایی میزان‌بندی ناقص (imperfectus) نامیده شد و نشانه آن نیم‌دایره (C) بود. نیم‌دایره قدیمی‌ترین نشانه‌های وزن در موسیقی به‌شمار می‌آیند.

نت‌نگاری موسیقی سازی و موسیقی آوازی تحول جداگانه‌ای را از سر گذرانده‌اند و مسیرهای متفاوتی را که سرانجام به هم می‌رسیدند طی کرده‌اند. عصر رنسانس نت‌نگاری موسیقی آوازی تقدم داشت، همان‌طور که هنر آواز رهنوازندگی تقدم داشت. پیش از آنکه قطعاتی برای نواختن و شنیدن ساخته شوند و با افق انتظار شنوندگان هماهنگ گردند، ژانرهای عمده هنر آواز که تلاقی صدای انسان را به نمایش می‌گذاشت شکل گرفته بود. از دوره یونان باستان صدای انسان معیار و مبدأ اندیشه موسیقی بود، همان‌طور که معماری یونان باستان مبتنی بر ابعاد و تناسب اندام است. ابو نصر فارابی نیز صدای انسان را اصل تر بر صداهای ساز مقدم می‌دانست: «الحن کامل از اصوات انسانی پدید می‌آید. الحانی که از سازها برمی‌خیزد گاه به این منظور ساخته می‌شوند که مرجع بین‌النحان کامل [اصوات انسانی] را محاکات [تقلید] کنند، یا هم‌نوا یا پیس را مد و یا پادال دهنده آنها باشند.» در اروپا تا عصر رنسانس موسیقی پُلِفونی برای یک یا چند گروه کُر و بدون همراهی ساز غالب بود. موسیقی ساری که تا آغاز سده ۱۶ غالباً برای همراهی آواز یا رقص به کار می‌رفت، از قالب‌های موسیقی آوازی وام می‌گرفت. اما نکاتی که نت‌نگاری آوازی نمی‌توانست از پس آن برآید، نت‌نگاری موسیقی سازی آنها را حل کرد. نشانه‌هایی چون خط اتحاد و خط اتصال، خطوط کمکی در بالا و پایین پنج خط، نشانه‌های تمپو و نشانه‌های بنایندی از سده ۱۶ به بعد در نت‌نگاری سازهای چندصدایی که تابولاتورا (tablatura؛ لاتین / tablature؛ انگلیسی) نامیده می‌شد رفته رفته مرسوم گشتند. در دوره باروک نشانه‌های پدال‌گیری و زینت‌های موسیقی پدید آمدند.

در عصر الیزابت سازهای شستی دار مثل ارگ خانگی، کلاویکورد و ویرژینال اهمیت ویژه‌ای یافت. این دوره مصادف است با ابداع بسیاری از سازها، از جمله پیانو که در دهه اول ۱۷۰۰ در فلورانس ایتالیا ساخته شد و چشم‌انداز موسیقی کلاسیک را دگرگون ساخت. رونق موسیقی سازی و عنایت ویژه امر سازماندهی ارکستر و جست‌وجوی سازهای جدید که نقاشان هنرمند آنها را با تابلوهای پررنگ آراستند از ویژگی‌های بارز ایتالیای سده ۱۶ و ۱۷ خوانده شده. کوب بزرگهارت (Jacob Burckhardt) محقق سوئیسی و متخصص دوره رنسانس در کلاسیک خود «فرهنگ رنسانس در ایتالیا» به‌خانه‌های اعیانی پُر از ساز و نوازنده و نوازنده اشاره می‌کند.

صلح و تفاهم پهنه تاریخی موسیقی را نهادینه کرده‌اند. در نقاشی سده ۱۶ گروه نوازندگان و خوانندگان حول میزی گرد نشسته‌اند و از یک کتاب نت استفاده می‌کنند، زیرا بخش‌های سازی و آوازی در چهار جهت چاپ شده‌اند. در واقع چهار جهت جغرافیایی در «مورد» موسیقی به‌دیدار هم آمده‌اند و حکمت مربع در معنویت دایره مستحیل شده است.

اما در سده ۲۰ نت‌نگاری روی پنج خط حامل دیگر پاسخگوی ایده‌های موسیقی سریال (serial)، آتونال (atonal) و آلتا (aleatory) نیست، به‌ویژه در مواردی که حوادثی خارج از کنترل نوازنده، پدیدار می‌شود. در پاسخ به‌چنین اندیشیدنی آوانگارد دو نظام جدید بود آمده و تصورات متعارف پیرامون ثبت و نگارش صداها و موسیقی را دگرگون کرده‌اند: یکی نظام equiton که از دو خط حامل استفاده می‌کند و دیگری نظام clavariscribo که در آن خطوط حامل و فضاها و مابین خطوط به شکل



Polomeration / (انشت؛ ۱۹۶۰) اثری از آناستیس لوگوتیس (۱۹۹۴ - ۱۹۲۱)
 منگستن بلغاری تبار که نت‌نگاری گرافیکی را به کار می‌برد.

عمودی در نظر گرفته شده. خط میزبان را افقی قرار داده‌اند. استفاده از
 نشانه‌های غیرمتعارف و طرح‌های بصری در دهه ۱۹۶۰ (اشتوکهاوزن، بریتن،
 لیگتی، کیج...) به پدیده نت‌نگاری گرافیکی انجامید و مفهوم فضا با زمان
 موسیقی درآمیخت. آنگاه موسیقی چشم (augenmusik) نت‌نگاری با معانی
 بصری را تحول بخشید. رشته قوم‌موسیقی‌شناسی (ethnomusicology) نیز
 نظام‌های نت‌نگاری خاصی در ثبت آثار غیراروپایی مطرح کرده است.
 زبان موسیقی در تحول تاریخی‌اش کسرت زمان - مکان‌هایی را در
 وحدتی وصف‌ناپذیر جای داده که نوعی رهایی از زمان - مکان است و همانا
 که هایدگر به مناسبت موتسارت می‌گوید: «شنیدن و دیدن یک چیز است».

دکتر نازینا ایوانووا

تهران - پسر ۱۳۹۴